

## أمور متفرقة:

### موارد متفرقة

س ۱۵۱ / أرجو توضيح كيفية كتابة الوصية للشخص العادي، والآتي عدة أسئلة بهذا الخصوص:  
پرسش ۱۵۱:

كيفيت نوشتن وصیتنامه برای یک شخص عادی چگونه است؟ و پرسش هایي در این رابطه وجود دارد:

۱. هل المكلف عليه كتابة وصية خاصة ووصية عامة، وما هي الوصية الخاصة والوصية العامة؟

۱- آیا شخص مکلف باید وصیت خاص وصیت عام بنویسد؟ وصیت خاص وصیت عام چیست؟

۲. لنفترض أن شخص توفي وترك ميراثاً (۱۰۰۰) دينار، هل للشخص المتوفي نصيب من هذا المال من أجل التغسيل والدفن ومراسيم العزاء؟

۲- فرض کنیم شخصی وفات یافته و ۱۰۰۰ دینار به ارث گذاشته است. آیا شخص متوفی نصیبی از این مبلغ برای غسل و تدفین و مراسم عزاداری دارد؟

۳. في رواية لأمير المؤمنين (عليه السلام) للمكلف أن يوصي من خمس (۱/۵) إلى ثلث (۱/۳) ما يملك لخليفة الله على الأرض، وهنا توجد عدة أسئلة :  
أ- هل هذا المقدار من ۵/۱ إلى ۱/۳ من مجموع ما يملك المتوفي من نقود وأراضي وأملاك؟

ب- هذا المقدار من الإرث (۱/۵ إلى ۱/۳) يستخرج قبل توزيع التركة للزوجة والأولاد والبنات أم يخرج مع توزيع التركة في نفس الوقت؟

۳- در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است که مکلف می تواند خمس (یک پنجم) تا ثلث (یک سوم) از مایملکش را برای خلیفه خدا در زمین وصیت کند. در اینجا چند پرسش مطرح می شود:

الف: آیا این مقدار خمس تا ثلث از مجموع اموال متوفی مثل پول نقد، زمین و املاک است؟

ب: این مقدار از ارث (خمس تا ثلث) قبل از توزیع ماترک میان همسر و پسران و دختران خارج می‌شود یا همزمان با توزیع ماترک خارج می‌گردد؟

۴. هل يجب حضور شهود أثناء كتابة الوصية، أم يكفي إعلام شهود بأن الوصية كتبت وهي في المكان الفلاني؟

۴- آیا حضور شهود در حین نوشتن وصیت واجب است؟ یا کافی است به شهود اعلام کند که وصیت نوشته‌شده و در فلان مکان است؟

ج/ إن شاء الله سأكتب لكم تفاصيل الوصية، وبعدها إذا كان لديكم سؤال أكون بخدمتكم.

پاسخ:

ان شاء الله جزئیات مربوط به وصیت را برایتان خواهم نوشت و بعد از آن اگر سؤالی داشتید در خدمتان هستم.

س ۱۵۲ / في ظل بعض الظروف، هل يمكن لإمام أن يدفنه ابنه الذي لا يكون خليفته من بعده، أو الآخرون من غير أهل بيته؟

پرسش ۱۵۲:

آیا ممکن است در بعضی شرایط، امام را فرزندی از فرزندانش دفن کند که جانشین بعد از آن امام نباشد؟ یا کسی دیگری از غیر اهل بیت او این کار را انجام دهد؟

ج/ نعم هذا ممكن.

پاسخ:

بله چنین چیزی ممکن است.

س ۱۵۳ / ورد عن حماد بن عثمان وغيره عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال: (لا تنشد الشعر بليل ولا تنشد في شهر رمضان بليل ولا نهار، فقال له إسماعيل: يا أبتاه فإنه فينا؟ قال: وإن كان فينا)، فما هو حكم قول الشعر في شهر رمضان؟

پرسش ۱۵۳:

پرسش ۱۵۳:

حماد بن عثمان و دیگران از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند که فرمود: (در شب، شعر نگو در شب و روز ماه رمضان نیز شعر نگو) اسماعیل به ایشان فرمود: پدر جان، این شعر درباره ما است! ایشان (علیه السلام) فرمود: (حتی اگر درباره ما باشد). حکم شعر گفتن در ماه رمضان چیست؟

ج/ الانشغال بإنشاد الشعر عن العبادة في أوقات العبادة مثل ليلة الجمعة وشهر رمضان - كمن يعقد مجلساً خاصاً للشعر في هذه الأوقات وينشد فيه الشعر - مكروه، وهذا كان سائداً في تلك الأزمنة، أما لو كان إنشاده الشعر فيه بيان حق محمد وآل محمد صلوات الله عليهم ولوقت قصير في مجلس معين ودون تحضير مجلس خاص لإنشاد الشعر فلا إشكال فيه ولا كراهة سواء كان ليلة الجمعة أو في شهر رمضان طالما أنه لوقت قصير ولا ينشغل به طوال الوقت عن العبادة وذكر الله في هذه الأوقات المباركة التي ينبغي للمؤمن الانشغال فيها بعبادة الله وذكره سبحانه.

پاسخ:

مشغول شدن به شعر گفتن به جای عبادت کردن در اوقات عبادت مثل شب جمعه و ماه رمضان- مکروه است مثل کسی که در این اوقات مجلس مخصوصی برای شعر تشکیل دهد و در آن شعر سروده شود- و این کار در آن زمان رایج بوده است؛ اما اگر سرودن شعر برای بیان حق محمد و آل محمد صلوات الله عليهم و برای زمانی کوتاه در مجلسی معین باشد و به شکلی نباشد که مجلس خاصی برای شعر سرودن تدارک دیده شود، اشکالی در آن وجود ندارد و کراهتی ندارد و فرقی ندارد در شب جمعه یا ماه رمضان باشد؛ چراکه برای مدت زمان کوتاهی است به طوری که در آن مدت از عبادت و ذکر خدا در این اوقات مبارک (که شایسته است مؤمن مشغول عبادت خداوند سبحان و یاد او شود) باز نمی ماند.

س ۱۵۴ / أعاني من أمراض نفسية وعقلية، ومصاب بكآبة شديدة وانفصام عقلي جزئي، وهستيريا وشروود ذهني ومحو جزئي للذاكرة، وأفكار خارجة عن الوعي والإدراك، كنت سابقاً أتناول علاج يوصف للمرضى مثلي، ولكن كان يستخدمه بعض الشباب هناك الذين يدمنون على الخمر والعياذ بالله، ولكن هذا العلاج لم يفدني وأعطوني علاج هذا المرة أقوى من العلاج القديم، يجعلني هادئ ولكنه يدفعني لأمر لم تكن بإرادتي وعلمي وأفعل أشياء وأنا غائب عن

الوعي، وبعض الأحيان أستفيع من فقدانى لوعىى وأجد نفسى فى مكان لم يقرره  
عقلى أو أجد نفسى بأمور مخجلة، فهل يجوز تناوله ؟  
پرسش ۱۵۴:

مرا در برابر بیماری‌های نفسانی و عقلی یاری دهید. دچار غم شدیدی هستم و بخشی از عقم کاسته شده است. دچار هیستری و آشفتگی ذهنی هستم، حافظه کم شده و افکارم خارج از کنترل و ادراک است. پیشتر درمانی را که برای بیمارانی مثل من تجویز می‌شود انجام داده‌ام. این روشی است که بعضی از جوانانی که شراب‌خوار افراطی هستند (پناه‌برخدا) به کار می‌بندند؛ ولی این درمان افاقه نکرد و درمان قوی‌تری برایم تجویز کردند که مرا آرام می‌کند ولی باعث می‌شود کارهایی انجام دهم که از اراده و کنترلم خارج و از ادراک من به دور باشد. گاهی به خودم می‌آیم و خودم را درجایی می‌بینم که عقم به یاد نمی‌آورد یا خود را در حال انجام امور شرم‌آور می‌بینم. آیا خوردن آن جایز است؟

ج/ أسأل الله أن يمنّ عليك بالشفاء وهو أرحم الراحمين، وخير لك أن تطلب من أنصار الإمام المهدي في السويد أن يقرأوا القرآن على ماء وتغسل به وجهك ورأسك وأن يقرأوا لك القرآن، أما مسألة العلاج فإذا قرره الأطباء لك فالتزم به وعسى الله أن يرحمك برحمته ويمن عليك بالشفاء، ولكن أولاً وأخيراً شفاؤك بيدك فعليك أن تتخذ قراراً بأنك تريد الشفاء وعندها توجه لأنصار الإمام المهدي وإذا كانت لديهم حسينية احظر فيها واجعلهم يقرأون عليك القرآن ويدعون لك، وإن شاء الله يمن الله عليك بالشفاء، فلا تيأس من رحمة الله وفقك الله وسدد خطاك.

پاسخ:

از خداوند می‌خواهم که با شفا بر تو منت بگذارد که او ارحم الراحمين است. برای شما بهتر است که از انصار امام مهدی در سوئد بخواهی که بر (ظرفی از) آب قرآن بخوانند و صورت و سرت را با آن بشویی و برای تو قرآن بخوانند؛ اما در مورد راه درمان، اگر پزشکان برایت تجویز کرده‌اند به آن پایبند باش و امید است که خداوند بر تو رحم کند و با شفا بر تو منت گذارد، ولی اول و آخر- شفاى تو به دست خودت است؛ پس باید قرار بگذاری که می‌خواهی شفا پیدا کنی و در آن هنگام نزد انصار امام مهدی بروی. اگر حسینیهای دارند در آنجا حاضر شو بگو برایت قرآن بخوانند و برایت دعا کنند و ان شاء الله خداوند با شفا بر تو منت می‌گذارد. از رحمت خدا ناامید نشو. خداوند تو را موفق بدارد و گام‌هایت را استوار سازد.

**س ۱۵۵ /** هنالك استخارة الكترونية موجودة عبر الإنترنت، تقرأ بعض سور القرآن ثم تضغط على الماوس وتخرج لك الآية، هل يصح أخذ استخارة بمثل هكذا أمور، علماً أنه توجد صيغ مختلفة لكن كلها الكترونية؟  
**پرسش ۱۵۵:**

نوعی استخاره الكترونيكي در اينترنت وجود دارد به اين صورت كه بعضی از سوره های قرآن را خوانده، سپس روی ماوس كليك می كنيم و آیه ای برای شما نمایان می شود. آیا استخاره گرفتن با این روش ها صحیح است؟ با توجه به اینکه روش های مختلفی وجود دارند ولی همگی الكترونيكي هستند.

**ج/ بدون تشخیص الأمر بعينه لا يمكن الإجابة عنه، وعموماً لستم مضطرين لهذا فيمكنكم قراءة القرآن والاستخارة بالقرآن والنظر فيما يخرج لكم في أعلى الصفحة التي على اليمين، فإن كان تبشيراً فتوكلوا على الله، وإن كان إنذاراً وتحذيراً وتوعداً فاجتنبوا الأمر.**  
**پاسخ:**

بدون اینکه این مورد به طور دقیق مشخص شود نمی توان پاسخ داد. به طور کلی شما مجبور به این کار نیستید. شما می توانید قرآن را بخوانید و با قرآن استخاره بگیرید و به آنچه بالای صفحه سمت راست که برایتان می آید نگاه کنید؛ اگر بشارت بود بر خدا توکل کنید و اگر انذار و تحذیر و تهدید بود از آن کار اجتناب کنید.

**س ۱۵۶ /** بخصوص التورية، أي أن يأتي الشخص بكلام ويقصد غير ظاهره مثل أن يقول: "هو أخي" ويقصد أنه أخوه في الإسلام وما شابه، هل ممكن أن نعرف معنى التورية بالتفصيل، وهل تجوز أم لا؟  
**پرسش ۱۵۶:**

توریه، یعنی شخصی سخنی بگوید و غیر از ظاهر آن را قصد کند؛ مثلاً بگوید «او برادر من است» و مقصودش برادر بودن در اسلام باشد یا نظایر آن. آیا ممکن است معنای توریه را با تفصیل بفهمیم؟ و اینکه آیا جایز است یا خیر؟

**ج/ التورية: هي أن يخفي شخص الحقيقة على شخص آخر دون أن يكذب عليه كأن يجعله يتوهم شيئاً غير الحقيقة، ولا يجوز التورية على شخص مع الظن أنها ربما ستسبب له ضرراً ففي هذه الحالة لا فرق بينها وبين الكذب، والتورية طريق لدفع الضرر أو جلب النفع مع تجنب الكذب أمام الله سبحانه.**

پاسخ:

توریه یعنی انسان حقیقت را از شخصی دیگر مخفی کند بدون اینکه دروغ بگوید، گویی او را در وضعیتی قرار دهد که چیزی غیر از آن واقعیت را متوهم شود. توریه در برابر کسی که گمان می‌رود باعث ضرر و زیانی برایش شود، جایز نیست و در این حالت فرقی بین توریه و دروغ وجود ندارد. توریه راهی برای دفع ضرر یا به دست آوردن منفعت است به‌گونه‌ای که از دروغ در برابر خداوند سبحان پرهیز شود.

\*\*\*

\*\*\*

هذا آخر ما دَوَّنته من أجوبة الإمام أحمد الحسن (عليه السلام) الفقهية المتفرقة التي جمعتها في هذا الجزء، سائلاً الله سبحانه أن يمكّن له في أرضه وينصره نصراً عزيزاً، وأن ينفع به عباده المؤمنين، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

٥ ذو القعدة ١٤٣٤ هـ

این آخرین مطلبی است که از پاسخ‌های فقهی متفرقه امام احمدالحسن (علیه السلام) در این مجلد گردآوری کرده‌ام. از خداوند سبحان مسئلت دارم که او را در زمینش تمکین دهد و او را نصرتی شکست‌ناپذیر عطا فرماید و بندگان مؤمنش را از او بهره‌مند گرداند!

والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

٥ ذى القعدة ١٤٣٤ هـ ق (١٩ شهریور ١٣٩٢ هـ ش).